

موضوع:

عرفان عملی: ۱۸ (فلسفه و عرفان: ۱۲۰)

گروه مخاطب:

- عمومی

- تخصصی (طلاب و دانشجویان)

شماره کتاب ۱۲۹۶

شماره مسلسل انتشار ۲۳۷۸

باقریان، احمد، ۱۳۳۰

آن سوی صوفیگری / احمد باقریان ساروی. - قم: بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی

حوزة علمیه قم)، ۱۳۸۲.

۳۱۲ ص. - (بوستان کتاب قم: ۱۲۹۶) (عرفان عملی: ۱۸. فلسفه و عرفان: ۱۲۰)

ISBN 964 - 371 - 809 - 3. ریال: ۲۸۰۰۰

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

Ahmad Bāqeriyān Saravi. An Siye Sufigari

ص. ع. به انگلیسی:

{Beyond Sufism}

کتابنامه: ص. [۲۰۹] - ۳۱۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.

نمایه.

۱. تصوف - دفاعیه ها و ردیه ها. الف. دفتر تبلیغات اسلامی حوزة علمیه قم. مؤسسه بوستان کتاب قم.

ب. عنوان.

۲۹۷/۸۶

BP ۲۹۵/۲ پ ۲ ۱۸

آن سوی صوفیگری

احمد باقریان ساروی

بیت صوفی
۱۳۸۴

بوستان کتب

آن سوی صوفیگری

• نویسنده: احمد باقریان ساروی

• ناشر: مؤسسه بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)

• لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپخانه دفتر تبلیغات اسلامی • نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۴

• شمارگان: ۱۵۰۰ • بها: ۲۸۰۰ تومان

تمامی حقوق © محفوظ است

printed in the Islamic Republic of Iran

✓ دفتر مرکزی: قم، خ شهدا (صفائیه)، ص پ ۹۱۷، تلفن: ۷۷۲۲۱۵۵-۷، نمابر: ۷۷۲۲۱۵۴

✓ فروشگاه مرکزی: قم، چهار راه شهدا (عرضه ۱۲۰۰۰ عنوان کتاب با همکاری ۱۷۰ ناشر)

تلفن پخش: ۷۷۲۲۲۲۶

✓ فروشگاه شماره ۲: تهران، خ فلسطین جنوبی، کوچه دوم (پشت)، تلفن: ۶۴۶۰۷۳۵

✓ فروشگاه شماره ۳: مشهد، چهار راه خسروی، مجتمع پاس، تلفن: ۲۲۳۳۶۷۲

✓ فروشگاه شماره ۴: اصفهان، چهار راه کرمانی، گلستان کتاب، تلفن: ۲۲۲۰۳۷۰

پست الکترونیک: E-mail: info@bustaneketab.com

جدیدترین آثار مؤسسه و آشنایی با آن در وب سایت:
<http://www.bustaneketab.com>

با قدردانی از همکاری که در تولید این اثر نقش داشته اند:

○ ویراستار: مسلم سلگی ○ استخراج فهرست: محسن نوروزی ○ اصلاحات حروف نگاری: حسین ملاگلی، احمد آخلی و حسین عیدیان ○ صفحه‌آرایی: احمد محمدی فرد و احمد مؤتمش ○ نمونه‌خوانی: ابراهیم غلامین، سید رضا هدایتی، محمد جواد مصطفوی و جلیل حبیبی ○ کنترل نمونه‌خوانی: ولی قربانی ○ کنترل فنی صفحه‌آرایی: سید علی قاضی ○ نظارت و کنترل: عبدالهادی اشرفی ○ طراح جلد: باسم الرسام ○ مسئول تولید: حسین محمدی ○ پی‌گیری چاپ: سید رضا محمدی
ناشر

فهرست مطالب

۱۱	مقدمه
۱۲	باطل در پوشش حق
۱۳	چهره باطل تصوّف
۱۷	فصل یکم: عبادت و معرفت
۲۰	نیاز عبادت به معرفت
۲۰	معنای عبادت از دیدگاه صوفیه
۲۱	راه شناخت خداوند از دیدگاه صوفیه
۲۹	فصل دوم: مهم‌ترین حجاب‌های راه
۳۰	علم و کتاب
۳۹	زن و فرزند
۴۵	فصل سوم: این‌گونه می‌پیمایند
۴۵	۱. فرمانبرداری از مراد
۴۹	۲. دریوزه‌گری و فقر
۶۰	۳. جدایی از دنیا و گوشه‌گیری
۷۲	۴. شکنجه و آزار جسمی

۸۱	۵. سرزنش و ذلت
۸۶	۶. ترک خواسته‌ها
۹۸	۷. ترک امر به معروف و نهی از منکر
۱۰۳	۸. ترک جهاد
۱۰۶	... و راه‌های دیگر
۱۰۷	بوسه بر پای دزد
۱۰۹	فصل چهارم: ظهور حقیقت
۱۰۹	مقام وصول
۱۱۳	توجیه متصوفه بر کلام حلاج و ...
۱۱۴	تنزیه شیطان، فرعون و بت
۱۱۷	همه یکی
۱۱۸	غلو صوفیه شیعه درباره علی علیه السلام
۱۱۹	نقد و بررسی مقام وصول
۱۲۲	پاسخ یک شبهه
۱۲۴	توجهات ناروا
۱۲۵	کلمات قرآن در مورد «ابلیس»، «فرعون» و «بت»
۱۳۲	همه یکی
۱۳۳	علی علیه السلام و غالین
۱۳۷	ظهور حقیقت و سقوط شریعت
۱۳۳	حفظ ظاهر برای سالک و مرشد
۱۳۴	تحقیر عقل
۱۳۶	انکار عقل، چرا؟
۱۳۹	وصول واقعی

۱۵۰	نقد و بررسی
۱۵۴	توجیه عقاید با مثال
۱۵۵	گفتار شمس تبریزی
۱۵۵	سالک و مرشد نیز
۱۵۶	مذهبی جدا از مذاهب و ادیان
۱۵۸	نه دنیا و نه آخرت
۱۶۱	عشق مجازی
۱۶۶	شرب خمر
۱۶۹	فصل پنجم: مسائلی چند
۱۶۹	توکل
۱۷۰	مفهوم واقعی توکل
۱۷۲	مفهوم توکل از دیدگاه تصوف
۱۷۷	حج
۱۸۰	سماع و رقص
۱۸۲	طنبور حضرت الهی
۱۹۶	باب الرقص
۱۹۷	آداب سماع
۲۰۱	گفتار «راماسکریج»
۲۰۱	ظاهر و باطن
۲۰۲	روشنگری
۲۰۵	گفتار ملاصدرا
۲۰۷	ظاهر طریقت
۲۰۸	دعا

۲۰۹	آیات قرآن درباره دعا
۲۱۰	صوفیه و دعا
۲۱۲	تکبر و زهد فروشی
۲۱۵	پندارهای نادرست
۲۱۸	ریش و سبیل
۲۲۰	آیات و روایات
۲۲۱	اقوال فقیهان
۲۲۳	گفتار صوفیان
۲۲۷	پوشیدن لباس وصله دار و پشمینه
۲۳۱	کرامت
۲۴۳	دروغ های بزرگ
۲۴۵	خانقاه
۲۴۹	فصل ششم: صوفیه از دیدگاه رهبران اسلام
۲۴۹	پیامبر اسلام ﷺ
۲۵۰	امیر مؤمنان علی علیه السلام
۲۵۲	امام جعفر صادق علیه السلام
۲۵۳	امام علی بن موسی الرضا علیه السلام
۲۵۴	امام هادی علیه السلام
۲۵۶	امام حسن عسکری علیه السلام
۲۵۷	نامه ای و جوابی
۲۵۷	فهرست ها
۲۶۳	آیات
۲۶۸	روایات

۲۷۲	معصومان علیهم السلام
۲۷۴	اشخاص
۲۷۹	ادیان، مذاهب، فرقه‌ها
۲۸۱	اشعار
۲۸۵	مکان‌ها
۲۸۷	کتاب‌ها
۲۹۰	نمایه موضوعی
۳۰۸	کتاب‌نامه

مقدمه

گستره زمین، میدان جدال آفریده‌هایی از خداوند است که اشرف مخلوقات به شمار می‌آیند. گروهی از آنان چهره‌ای خدای گونه و فرشته آسا و گروهی دیگر چهره‌ای شیطانی و ددمشانه دارند. میان این دو چهره، جدال و پیکار به گونه‌های مختلف وجود داشته و دارد، آن چنان که ریشه آن به آفرینش نخستین انسان؛ یعنی پسران آدم علیه السلام می‌رسد. قابیل جرثومه باطل، به هابیل، سمبل حق، یورش برده و او را از پای در می‌آورد. از آن هنگام تاکنون این جدال بوده و هست. در بستر زمان، گاه حق پیروز می‌شود و گاه چهره ناخوشایند باطل پدیدار گشته و زمین را به فساد و تباهی می‌کشد، و گروهی از بنی آدم به آن گرایش پیدا کرده، پایه‌های فساد و تباهی را تقویت می‌کردند و سرانجام خود در گرداب گمراهی فرو غلطیده و به هلاکت می‌رسیدند. بدین ترتیب بشریت با سیطره باطل به زیان‌های جبران ناپذیری دچار شده که نسل آدم علیه السلام تاوان آن را تا انقراض جهان به ناگزیر باید بر دوش بکشد، و از راه سعادت و کمال لایق به خود باز ایستد، و در اسارت و بردگی گروه اندک چیره گر قرار بگیرد.

در این جا این پرسش مطرح می‌شود که اگر باطل، انسان‌ها را از مسیر رشد

و کمال باز می‌دارد، چگونه بسیاری از آنان را به دنبال خود کشیده، در کام افعی فساد و انحراف فرو می‌برد؟!

باطل در پوشش حق

پاسخ پرسش مزبور را در ابعاد مختلفی می‌توان ارزیابی کرده، وجهات گوناگونی را به عنوان عامل گرایش به باطل مطرح کرد، ولی آنچه به مباحث این کتاب مربوط می‌شود این است که فطرت انسان‌ها بر یگانه پرستی استوار شده، و هریک از آنان خواهان رشد، کمال و سعادت جاویدان، و در نتیجه جویای حقیقت و گریزان از باطل‌اند، ولی رازی که در کار است این که سردمداران باطل و شیاطینِ روبه‌صفت برای نیل به اهداف ناپسند خود، خویشان را به لباس حق می‌آرایند، و چهره باطل خود را با نقابی از راستی و درستی می‌پوشانند؛ آری این چنین است که گرگ، لباس شبان بر تن می‌پوشد و خود را امین گله سرگردان بشریت جلوه می‌دهد و سبب گرایش مردم به باطل می‌شود.

بدین‌گونه باطل در دین و شریعت رخنه پدید آورد و آیین پیامبران پیشین را به‌طور کلی به تباهی کشانید و دچار تحریفی عمیق کرده به گونه‌ای که از آیین آنان جز نامی باقی نمانده است، تا این که نوبت به آیین اسلام رسید. پیامبر این آیین، محمد مصطفی ﷺ به عقول انسان‌ها بسته نکرد، و برای حراست از آیین خود، دو گوهر گران‌بها به نام قرآن و عترت در میان مردم به امانت گزارد.^۱ این دو گوهر گران‌بها بسان دو چشم تیزبین، دیدبان بیدار و

۱. حدیث نقلین از احادیث متواتر میان شیعه و سنی است که پیامبر ﷺ در آن حدیث فرمود: «إني

زرف‌اندیش پیامبر ﷺ در طول چهارده قرن، آیین او را از خطر تحریف و کج‌اندیشی باطل گرایان در امان نگاه داشت.

با این وصف چنان‌که پیامبر ﷺ پیشگویی فرموده بود: در میان امت او هفتاد و سه فرقه پدید آمد که از آن میان تنها یک فرقه اهل نجات است^۱ و آن فرقه‌ای است که قرآن و عترت را در فراسوی اندیشه‌ها و اعمال خود داشته باشد.

چهره باطل تصوف

یکی از هفتاد و سه فرقه مسلمان، صوفیه است که در این کتاب پس از بررسی‌های فراوان در میان کتاب‌ها و کلمات سران تصوف و عرضه داشتن آنها به عقل، قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام به دست می‌آید که این فرقه نیز از فرقه‌های باطلی است که لباس حق بر اندام شیطانی خود پوشانیده است.

در این کتاب، تلاش شده است تا چهره واقعی این فرقه گمراه به همگان نشان داده شود تا خوانندگان گرامی خود داوری کنند.

این کتاب نخست در سال ۱۳۵۸ با نام راه و رسم صوفیگری به چاپ رسید

→ تَارِكُ فِكْمِ الثَّقَلَيْنِ، كِتَابُ اللَّهِ وَ عِزَّتِي أَهْلُ بَيْتِي وَ إِنَّمَا لَنْ يَتَفَرَّقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ التَّوْحُشَ وَ إِنكُمْ لَنْ تَقِيلُوا إِنْ أَتَيْتُمْ وَ اسْتَمَعْتُمْ بَيْنَمَا؛ من در میان شما دو گوهر گران بها به امانت گذارده‌ام: کتاب خدا و عترتم، و شما تا هنگامی که از آن دو پیروی کنید و به آن دو درآویزید گمراه نمی‌شوید (پنجاب الموده، ص ۲۸).

۱. «عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه‌السلام قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: إِنَّ أُمَّتِي سَتَفْرُقُ بَعْدِي عَلَى ثَلَاثٍ وَ سَبْعِينَ فِرْقَةً، فِرْقَةٌ مِنْهَا نَاجِيَةٌ وَ اثْنَتَانِ وَ سَبْعُونَ فِي النَّارِ؛ از امام علی عليه‌السلام نقل شده که از پیامبر ﷺ شنیده است: به زودی پس از من امت من، به هفتاد و سه فرقه تقسیم می‌شوند، که یک فرقه اهل نجات، و هفتاد و دو فرقه اهل دوزخ هستند (بحار الأنوار، ج ۲۸، ص ۴، ح ۳).

و پس از ۲۴ سال با مشورت و نظرخواهی از برخی دوستان درباره محتوای آن و بهره‌مند شدن از انتقادهای سازنده ایشان، به بررسی و اصلاح دوباره آن پرداخته شد. از این جهت مطالبی بر کتاب افزوده، یا از آن حذف شده است. بخش‌هایی نیز جابه‌جا شده، و سرانجام با نام آن سوی صوفیگری در دست‌رس خوانندگان گرامی قرار می‌گیرد.

در ابتدای انتشار کتاب، نامه‌ای از یک خواننده صوفی به دستم رسید که پاسخ آن را برای وی ارسال کردم، و چون متن آن نامه و پاسخ آن، حاوی برخی از مطالب مفید بود در پایان کتاب آن را آورده‌ام؛ و در عین حال بر آن شدم که نکات دیگری را ذیلاً برای روشن شدن اذهان و دفع شبهات متذکر شوم:

۱. تعدادی از سران معروف تصوف و عرفان همچون مولوی و شیخ محمود شبستری، انسان‌هایی زاهد و وارسته بوده‌اند و مطالبی که در کتاب‌های غیر خودشان به آنان نسبت داده می‌شود قابل تردید است و به بهانه این‌که در تذکرة الاولیاء و مانند آن، چنین شخصیت‌هایی را از فرقه صوفیه به شمار آورده و مطالب نادرست به آنان نسبت می‌دهند نمی‌توان عظمت عرفانی آنان را زیر سؤال برد، ولی در مورد مطالبی که از کتاب‌های خودشان نقل می‌شود یا قراین بر صحت آنها دلالت دارد باید بگوییم که آنان نیز در برخی موارد دچار اشتباه شده، و گاهی این اشتباهات فاحش بوده و از آنان جداً بعید می‌نماید. در عین حال، شخصیت و عظمت آنان در مطالب و آثار دیگرشان در جای خود محفوظ و قابل تقدیر است. ما نیز به جرم این اشتباهات، چوب تکفیر و تفسیق را بر آنان فرود نمی‌آوریم، و آنان را به عنوان چهره‌های بزرگ اسلام و عرفان می‌شناسیم.

۲. با توجه به نکته یاد شده اگر در کتابی یا گفتاری از شخصیت‌های مزبور تجلیل و تکریم شده است. به خاطر جهات مثبتی است که دارا بوده‌اند.

۳. اگر در مطالب انحرافی آنان که در این کتاب نقل شده است کسانی خواسته‌اند توجیهی کنند، شاید آن توجیهات از روی حسن ظن و ناپاوری یا خدای ناخواسته از روی تجاهر یا غفلت از شواهد انکار ناپذیری باشد که راه هرگونه توجیه را بسته است. به عبارت دیگر: بسیاری از مطالب نقل شده، به تفسیر خود پرداخته‌اند، و البته شاید برخی از توجیهات بر این اساس باشد که گمان کرده‌اند اگر این شخصیت‌های عرفانی زیر سؤال بروند و مورد انتقاد قرار گیرند از عظمت آنان کاسته می‌شود. به نظر من چنین اندیشه‌ای نوعی شخصیت زدگی، و ایده‌آل و مطلق پنداشتن بزرگان است، در حالی که توجیه کنندگان خود معترفند که آنان از خطا و اشتباه معصوم نبوده‌اند.

بنابراین، واقعیت این است که شخصیت‌های مزبور در عین حال که دارای عظمت عرفانی و زهد و وارستگی بوده‌اند، حرکات و سخنانشان قابل نقد و بررسی است.

۴. با توجه به این که منحرفان صوفیه؛ یعنی آنان که صوفیه را ابزاری برای انحراف و سوء استفاده‌های خود قرار داده‌اند، توجیه اعمال و گفتار بزرگان عرفان و تصوف را دلیل سلامت مطلق مذهب و رهبران مذهبی خود می‌دانند، نقد و بررسی رفتار و گفتار آن شخصیت‌ها لازم به نظر می‌رسد.

۵. پیروان تصوف باید بدانند که تنها پیامبران و جانشینان پاک آنان،^۱ مصون از خطا، لغزش و گناه هستند و الگوهای واقعی برای ساخته شدن و

انسانِ کامل شدن می‌باشند. و جز آنان هر که و در هر درجه‌ای از درجات و مراتب عرفان به اشتباه و خطای رفتاری و قولی گرفتار است. در پایان، از خدای متعال خواستارم که این اثر ناچیز، وسیلهٔ قرب به حضرتش و توشهٔ راهی برای روز حساب باشد. وَالسَّلَامُ عَلٰی مَنْ اَتْبَعَ الْهَدٰی.

قم، احمد باقریان ساروی